



محسن مسرت*

کازینوی کپنهاگ

نویسنده این مقاله مطلبی را به بهانه کنفرانس اقلیمی سران در کپنهاگ به زبان آلمانی در ۱۶ دسامبر ۲۰۰۹ در روزنامه آلمانی تاکس سایتونگ منتشر کرد. این مطلب که هم به پروتکل کیوتو انتقاد اساسی دارد و هم حامل طرحی گزینشی است. ابتدا به همت احمد احقری به فارسی برگردانده شده و با ویرایش و توضیحات بیشتر در اختیار هموطنان ایرانی بویژه خوانندگان چشم‌انداز ایران گذارده می‌شود. پیشنهاد اصلی نویسنده تشکیل آژانس بین‌المللی آب‌وهواست که به‌جای کنترل گاز کربنیک از طریق مصرف مواد فسیلی به کنترل این گاز از راه تولید مواد فسیلی بپردازد.

تاسال ۲۰۵۰ میلادی این مقدار کاهش برای جلوگیری از گرمایش بیش از دو درجه سلسیوس قطعی است.

دوم آن که تجارت آلاینده‌های فسیلی (Emission Trading)

که به‌عنوان ابزار اصلی پروتکل کیوتو و زایدبیش نئولیبرالی است را به‌زبان نازیخ‌بسیاریم. اساس ایده این ابزار اقتصاد بازار آزاد به اختصار از این قرار است: حجم ۷۵۰ میلیارد تنی گاز کربنیک که تولید آن با محاسبات علمی اقلیم‌شناسان تاسال ۲۰۵۰ مجاز است، باید بین تمام شهروندان جهان "عادلاً" تقسیم شود. بر اساس این مدل کشورهای هم‌چون مالی، بورکینافاسو، ویتنام و سایر کشورهای فقیر و در حال توسعه به علت سطح نازل توسعه یافتگی خود تاسال ۲۰۵۰ میلادی، از سهمیه سرانه تولید گاز کربنیک به‌مراتب بیشتر از آنچه در واقعیت مصرف می‌کنند بهره‌مند خواهند شد. این در حالی است که بودجه سرانه این گاز برای کشورهایمانند ایالات متحده آمریکا، آلمان، ژاپن و سایر کشورهای ثروتمند به دلیل سطح بسیار بالای مصرف آنها در مدت زمان بسیار کوتاهی به پایان خواهد رسید، از این رو در این سیستم کشورهای ثروتمند در موقعیت تقاضا کنندگان در بورس بین‌المللی قرار می‌گیرند، در حالی که هم‌زمان با آن کشورهای فقیر در موقعیت عرضه‌کننده این کالا مازاد سهم گاز کربنیک خود را با هدف کسب درآمد ملی در بورس به فروش می‌رسانند. به این روال حق سرانه تولید گاز کربنیک کاملاً همسوزباروند و "نوآوری‌های" نئولیبرالیسم در بازار مالی جهانی به‌فراورده مالی نوبتی تبدیل شده و بازار وسیعی برای بورس بازی و ورود سرمایه‌های مالی به این بورس و گسترش سوداگری فراهم می‌آورد، باشد که این بازار مالی جهانی نیز همانند دیگر بازارهای مالی از جنس سرمایه‌گذاری و بورس بازی املاک در ایالات متحده آمریکا زمانی به حساب مالی جدیدی تبدیل شود که سرنوشته دیگری جز ترکیدن و ایجاد بحران جدید دیگری نداشته باشد.

ایده تشکیل "بانک جهانی اقلیم" به‌عنوان نهادی معادل

جهانی است که این در بهترین حالتش برای ادامه حیات سرمایه‌داری اهمیت می‌یابد. البته بحران مالی جهانی قادر است با سیاست‌گذاری و بسته‌های دولتی تقلیل داده شود، اما برای بحران اقلیمی در صورتی که گرمایش زمین از مرز ۲ درجه سلسیوس فراتر رود، هرگونه بسته نجات‌بخشی بسیار دیر خواهد بود. اقلیم زمین بانک نیست، چرا که در این صورت مدت‌ها مورد نظر قرار می‌گرفت و معضل آن حل می‌شد. وقت آن فرارسیده که تمایلات افراط‌گرایانه به اقتصاد بازار را کنار بگذاریم و برای کاهش تولیدات گاز کربنیک اقدام به تدوین ضوابطی محکم کنیم. برای این کار به‌باور نویسنده ضروری است سیاست‌گذاری اقلیمی در سه مورد اساسی تصحیح شود:

اول لازم است فلسفه نئولیبرالی را که راه‌حل همه مشکلات بشر را از طریق بازار آزاد می‌بیند کنار بگذاریم و به‌جای مصرف‌کننده نقش تولیدکنندگان حامل انرژی فسیلی مانند زغال‌سنگ، گاز طبیعی و نفت را در راستای راهبردی تقلیل سیستماتیک آلاینده‌های گاز کربنیک از طریق محدود کردن تولید مد نظر قرار دهیم. ۷۰ درصد منابع انرژی فسیل فقط در بیست کشور متمرکزند که ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، هند، استرالیا، کانادا و کشورهای عضو اوپک از آن جمله‌اند. این تنه‌راه تضمین شده برای کاهش ۵۰ درصدی انتشار گاز کربنیک

بحران مالی جهانی قادر است با سیاست‌گذاری و بسته‌های دولتی تقلیل داده شود، اما برای بحران اقلیمی در صورتی که گرمایش زمین از مرز ۲ درجه سلسیوس فراتر رود، هرگونه بسته نجات‌بخشی بسیار دیر خواهد بود

آنگلامر کل و دیگر رهبران کشورهای قدرتمند جهان باتصویب یک قطعنامه آبکی شکست تمام‌عیار کنفرانس سران کشورهای حل مشکلات اقلیمی رانوعی موفقیت جلوه دادند، آنها پیش از آن که برای آینده بشریت کوشش جدی کنند بیشتر در چنین کنفرانس‌های بزرگ جهانی - همان‌گونه که در کپنهاگ نیز اتفاق افتاد به فکر بهینه کردن موقعیت خود در انتخابات بعدی هستند. اما مشکل کپنهاگ این بود که پروتکل کیوتو یعنی سندی که نئولیبرالیسم جوهرش بود در نقطه اوج سرمایه‌داری نئولیبرالی در سال ۱۹۹۷ تدوین شد. رامنای کار خود قرارداد بی‌علت نیست که "هوپناگنی" (به معنای "تخریب امیدها") نمی‌تواند امیدهای بسیاری از دوستداران محیط‌زیست و طرفداران سرسخت حفظ تعادل آب‌وهوا را برآورده سازد.

قرارداد کیوتو همسوزبا این اصل اساسی اقتصاد بازار، پایه‌ریزی شد که "در بازار آزاد این مصرف‌کننده است که سرنوشته یک کالا را تعیین می‌کند." در این سند کشورهای طرف قرارداد تنها در نقش "مصرف‌کننده" انرژی‌های فسیلی به کاهش آلاینده گاز کربنیک (CO2) موظف می‌شوند. به این ترتیب کافی است که در هر کشوری مصرف‌کنندگان انرژی فسیلی با استفاده از ابزار بازار آزاد به صرفه‌جویی در مصرف تشویق شوند. شاید این روش مصرف‌کننده محور بتواند در زندگی روزمره جامعه سرمایه‌داری معنا و مفهومی داشته باشد، اما آیا این درست است که در اجرای راه‌حل یک مشکل حیاتی بشریت هم به استفاده از مکانیسم‌های مصرف‌در اقتصاد بازار اکتفا کنیم؟ آیا بحران اقتصادی و مالی کنونی هنوز درس‌های لازم را ننگرته‌ایم که برای تضمین نیازهای حیاتی انسان‌ها، کنترل دولت و استفاده از ابزار پرکارآمد سیاسی امری ضروری است؟

آب‌وهوا بانک نیست
تعادل آب و هوا به موجودیت و سرنوشته بشریت مربوط است و به‌مراتب مهمتر و اساسی‌تر از سیستم مالی

اسفند ۱۳۸۸ و فروردین ۱۳۸۹ چشم‌انداز ایران

باسازمان تجارت جهانی (WTO) که باید وظیفه کنترل و نظارت بر این بازار مالی جدیدی به نام Emission Trading را به عهده بگیرد. دانشمندان آلمانی وابسته به شورای علمی "تحولات جهانی زیست محیطی" دولت فدرال آلمان عنوان شده است. مخترعان این طرح و حامیان "بانک جهانی اقلیم" این چالش بزرگ را مسکوت می گذارند که کشورهای ثروتمند با خرید حق تولید سرانه آلاینده های انرژی فسیل از کشورهای فقیر قادر می شوند مانند گذشته گاز کربنیک به جرمین وارد کنند، در حالی که در آمدهای به احتمال زیاد ناچیز کشورهای در حال توسعه از طریق فروش سهام خود به دست قشر ممتاز ثروتمند این کشورها به هدر می رود. افزون بر آن، این کشورها همزمان با فروش کامل سهام خود، برای همیشه حق صنعتی شدن و توسعه اقتصادی ملی خود را از دست خواهند داد.

سوم این که این سیستم به ظاهری دردسرسر، برای کاهش گاز کربنیک نیاز به یک دستگاه غول آسای کنترل دارد که مقدار تولید واقعی این گاز با مقدار سهم خریداری شده Emission Trading در بازار جهانی یکی باشد و هیچ کشور یا کارخانه ای دست به تقلب نزند و بیش از آنچه حق قانونی او می باشد گاز کربنیک به جرمین وارد نکند. مسلم است که هزینه های چنین سیستم و وسیع کنترل سر به فلک خواهد زد، اما بدون این کنترل پر هزینه هم این سیستم اصولاً قابل اجرا نخواهد بود. تنها چیزی که مطمئناً اتفاق خواهد افتاد رونق بورس با خرید و فروش مجازی کالایی است که با وجود طرفداران ایده Emission Trading به بهانه جلوگیری از بحران اقلیمی به بازار جهانی عرضه می شود. با توجه به انتقادات جدی به پروتکل کیو تو و از آنجا که آن متأسفانه این راه با ساده لوحی غیر قابل تصویری ادامه داده می شود. شاید ریشه این بینش در اسطوره ایدئولوژی بازار آزاد و عدم درک این واقعیت که در سرمایه داری انسان وسیله سوداگری است و نه هدف اصلی، نهفته باشد. البته انسان ها انعطاف پذیرند، از این رو تاکنون با وجود این واقعیت و علت فقدان گزینه بهتر با سرمایه داری تجانس داشته اند. اما آیا باور به این که طبیعت و اقلیم زمین هم نسبت به سرمایه داری و بازار آزاد انعطاف خواهند داشت، ساده لوحانه نیست؟ این گونه که پیدا است نه تنها پیروان لیبرالیسم و نئولیبرالیسم اقتصادی، بلکه حتی بسیاری از هواداران ایده اقتصاد و جامعه پایدار نیز با دنباله روی کور کورانه از پروتکل کیو تو هنوز دریافته اند که حفظ تعادل آب و هوای زمین باید هدف اصلی سیاستگذاری باشد نه وسیله جدیدی در خدمت سوداگری در بازار جهانی مالی. بشریت ممکن است تا مدت زیادی هنوز بتواند با سرمایه داری همزیستی کند، اما اگر موفق به مهار تولید گاز کربنیک نشود و گرمایش سطح زمین از مرز دودرجه سلسیوس عبور کند و تعادل نسبی آب و هوا خدشه دار شود، آن گاه قطعاً موجودیت بخش وسیعی از مردم جهان به مخاطره خواهد افتاد، زیرا طبیعت نه نیاز به همزیستی با سرمایه داری دارد و نه به موجودی به نام انسان. این بشریت است که موجودیت او به محیط زیست

و طبیعت وابسته است و نه بر عکس.

آیامی توان جایگزینی برای پروتکل کیو تو تصور کرد؟

بینش لیبرالیستی و نئولیبرالیستی حفظ محیط زیست و طبیعت تابع حال متأسفانه همه در هاله ای گزینگی های معقول و ممکن بسته است و بر عکس بشریت را به کوره راه هایی از جنس پروتکل کیو تو سوق داده است. این سند با پایه حقوق بین المللی کاری به تولید حامل های گاز کربنیک یعنی تولید نفت، گاز طبیعی و ذغال سنگ ندارد، ولی مانند ضرب المثل ایرانی لقمه را پیش از ورود به دهان یکبار دور گردن می گرداند و به جای تولید، مصرف و مکانیسم های مصرف در بازار را مد نظر قرار می دهد و امید دارد بتواند به کمک دستگاه بوروکراتیک عظیم جهانی و مکانیسم های بازار آزاد جلوی مصرف انرژی فسیل و تولید گاز کربنیک را بگیرد، در حالی که تولید حامل های انرژی فسیل، کوتاه ترین، کارآمدترین و کم هزینه ترین اهرم اقتصادی برای سیاستگذاری در راستای مهار چالش گاز کربنیک است که می تواند بر اساس پند "جلوی ضرر را بیاورد از ریشه گرفت" در خدمت مهار خطرات اقلیمی، راه انماهی عقلایی به مراتب بهتری باشد تا رهنمودهای نئولیبرالی پروتکل کیو تو. در اینجا به اختصار خطوط اصلی طرح گزینگی مهار خطر بحران اقلیمی را که تاکنون در نوشته های نویسنده به زبان آلمانی به بحث گذارده شده اند ترسیم می کنیم:

۱. تغییر فلسفه پروتکل کیو تو از مصرف محوری به تولید محوری و اصلاح این قرارداد بین المللی در جهت کنترل تولید حامل های فسیلی نفت، گاز طبیعی و ذغال سنگ یعنی توافق بین بیست کشور تولید کننده (به جای دویست کشور مصرف کننده) به تریبی که کشورهای تولید کننده به تقلیل سیستماتیک سالانه و تقسیم سهم هر کشور موظف شوند. با در نظر گرفتن انعطاف لازم در صورت تغییر و تحولات نامعلوم و غیر قابل پیش بینی در تقسیم سهم هر کشور هر ساله تجدید نظر می شود. به این منظور آژانس بین المللی آب و هوا تشکیل و این مؤسسه به سازمان اجرای پروتکل کیو تو اصلاح شده تبدیل می گردد.

تغییر فلسفه پروتکل کیو تو از مصرف محوری به تولید محوری و اصلاح این قرارداد بین المللی در جهت کنترل تولید حامل های فسیلی نفت، گاز طبیعی و ذغال سنگ یعنی توافق بین بیست کشور تولید کننده (به جای دویست کشور مصرف کننده) به تریبی که کشورهای تولید کننده به تقلیل سیستماتیک سالانه و تقسیم سهم هر کشور موظف شوند

۲. در این الگو دیگر نه به Emission Trading نیاز است و نه به دستگاه بوروکراتیک کنترل مصرف کنندگان انرژی، اما تقسیم حامل های انرژی موجود در کل به عهده بازار جهانی گذارده می شود. به همین دلیل و به دلیل کمیابی و تقلیل مداوم عرضه، قیمت مواد فسیلی ارتقا پیدا کرده و همه فناوری های جایگزین را در موقعیت رقابت کار آور و اشتغال زای مؤثری قرار می گیرند و روند انتقال فناوری انرژی های سستی به انرژی های نو و به عبارت دیگر فرم ساختاری را سازمان می دهد. در این رابطه و در حالی که تولید منابع فسیلی با هزینه نسبتاً کم و با نظارت دولت ها و آژانس بین المللی کنترل می شود از یک سو بازار آزاد بدون شک کم هزینه ترین وسیله تغییر ساختاری است، ولی از سوی دیگر بازار آزاد خود به خود پاسخی برای مشکل تقسیم عادلانه مصرف و تأمین مخارج سرمایه گذاری لازم تغییر ساختار ندارد. اصولاً سرمایه داری و اقتصاد بازار آزاد ماهیتاً در هیچ موردی نمی تواند پاسخگوی چالش های مربوط به عدالت اجتماعی باشد، چرا که هدف سرمایه داری، سود آوری است در حالی که این چالش ها تنها از طریق طریق برنامه های سیاسی قابل حل می باشند.

۳. متأسفانه تاکنون بحث های ۱۲ ساله بعد از به وجود آمدن پروتکل کیو تو نتوانسته راهی را نشان دهد تا هزینه های تغییر سیستم تولید و مصرف انرژی جهانی به طور عادلانه ای بین کشورهای جهان تقسیم شوند، چرا که کشورهای ثروتمند همواره از زیر بار مسئولیت تاریخی خود طفره رفته اند، در حالی که می توان معیار کاملاً شفاف و از نظر اخلاقی تمام عیار تقسیم عادلانه هزینه سنگین تغییر سیستم را که مورد قبول کشورهای فقیر هم نیز خواهد بود مد نظر قرار داد. این معیار همانا سهم تولید گاز کربنیک هر کشور است که تقریباً از دویست سال پیش تا به حال به جو زمین وارد شده که دقیقاً هم بر اساس مصرف مواد آلاینده فسیلی قابل محاسبه است، به این ترتیب ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای صنعتی شده و ثروتمند موظف به تقبل بخش عمده هزینه های سرمایه گذاری لازم در کشورهای عقب مانده و فقیر خواهند شد تا به این ترتیب این کشورها بتوانند ساختار سیستم انرژی خود را از جنس فسیلی به انرژی های تجدید پذیر جابجا کنند. به منظور جمع آوری و سرمایه گذاری هدفمند منابع، لازم به تشکیل صندوق اختصاصی خواهد بود که زیر نظر آژانس بین المللی آب و هوا که تأسیس آن نیز اجتناب ناپذیر است فعالیت می کند.

نتیجه گیری

تجارت با آلاینده های حامل های سوخت فسیلی راهی برای گسترش سرمایه داری کاذب نوینی است، اما اگر در چالش جهانی آب و هوا شکی نیست، پاسخ آن راه و چاره جدی سیاسی است. الگوی جایگزین که نویسنده مطرح کرده که تأسیس آژانس بین المللی آب و هوا با وظایف تعریف شده بالا جزو آن می باشد می تواند راهگشای این چالش جهانی باشد.

* پروفیسور محسن مسرت (استاد پیشین اقتصاد سیاسی دانشگاه اوزنابورگ آلمان)